

یک گوشزد در مورد انتقاد گیران

نوشته فیض محمد طوفان

۲۰ سنبله ۱۳۹۱



وقتی یک شخص در وجود دیگر دوستان خود نقصی را می بیند، باید خیلی دقیق باشد که چگونه درین مورد با شخص مذکور داخل صحبت گردد. هرگاه شخص ضرورت احساس می کند که کسی را انتقاد کند، بهتر خواهد بود که قبل از طرح نمودن انتقاد، ابتدا از خصایل مثبت همان کس صحبت نموده و بعضی از کلمات توصیف آمیز را در مورد او بگوید تا شخص انتقاد شده چنین احساس نکند که گویا مقصد انتقاد کننده تعرض به شخصیت او می باشد.

البته بسیار آسان است تا دیگران را انتقاد نموده عیب ها و کمبودی های ایشان را به رخ شان بکشیم. طوریکه میگویند: "هیچ کس نمی گوید دوغ من ترش است"، و یا به خرنوئی مهش لوفهمده "چهیه لوفج موند مو ڈوغ تبنیپ". به هر اندازه ای که ما بالای دیگران انگشت انتقاد دراز می کنیم و عیوب آنها را گوشزد می کنیم به همان اندازه ما عیوب و کمبودی های خود را پنهان میکنیم و بالای آن پرده می اندازیم. داشتن چنین یک روحیه باعث می گردد ما منفی گرا شده و همیشه در صدد این باشیم تا عیوب و نقایص دیگران را پیدا و آنرا فاش سازیم. گزدم هر چه در برابرش قرار گیرد کورکورانه نیش می زند. عادت این گونه افراد نیز مانند گزدم میباشد. باید گفت که این گونه انتقادات منفی، هرگز سازنده نبوده و یک شخص باید از آن اجتناب نماید.
چنانچه شاعر میگوید:

بوی خون می آید از تیغ زبان اعتراض
خرده گیری عاقبت تخم عداوت می شود

پس از این جا چنین نتیجه گیری می نمایم که منتقدین یا انتقاد کننده گان در حقیقت کمک کنندگان ما هستند زیرا آنها جرأت و شهامت آن را دارند تا برای ما بگویند که مشکلی وجود دارد. آنها با ارزش هستند زیرا آنها چیز های را برای

ما می گویند که ما ضرورت شنیدن آن را داریم. شاید دیگران نیز همین احساس را داشته باشند و آنها نیز این نقایص را می بینند، ولی جرأت ندارند تا با اشخاصی که این نقایص در وجود آنهاست روبرو شوند. آنها می ترسند به همین خاطر کوشش میکنند تا "آب را پُف پُف کده بخورند". در حقیقت آنها نمی خواهند تا ما تغییر نموده و رشد نمائیم.

بر اساس همان ضرب المثل، "کسی به سرزنش دیگران ارزش قابل شود او از جمله عاقلان محسوب می گردد،" شخصیت های عاقل کسانی هستند که انتقاد پذیر بوده و آنرا با آغوش باز قبول می کنند، زیرا انتقاد برای آنها این امتیاز را می دهد تا در زندگی رشد و ترقی کنند.